

# مفهوم و کاربرد دموکراسی تعاونی

نهادهای تعاونی از اجتماع افرادی تشکیل می‌گردد که نیازهای اقتصادی مشابهی دارند و در صددند به جای هر نوع اقدام انفرادی از طریق قبول تعهد و مسؤولیت مشترک و توسل به کار گروهی نیازمندیهای خود را بطور رضایتبخشی مرتفع سازند. ویژگی دوجانبه اجتماعی و اقتصادی تعاونی، اساس قوانین سازمانی و اجرائی شرکتهای تعاونی را به وجود می‌آورد. این قوانین، روابط خاص مابین اعضا و ارتباط آنان را با شرکت تعاونی و همچنین ارتباط اقتصادی هر یک از اعضا را با مسؤولیت مشترک خویش (نسبت به شرکت) مشخص می‌کند.

تشکیل یک شرکت تعاونی برپایه انباشت سرمایه نیست بلکه اجتماع افراد در لوای اصل «یک نفر یک رای» می‌باشد که با مفهوم برابری همه انسانها مطابقت دارد. و این قاعده که در آن تمام حقوق اجتماعی اعضا رعایت شده است، جزء اصول اساسی تعاون است. بنابراین، هر شرکت تعاونی یک کانون دموکراسی یا مردم سالاری است.

چنین فرض می‌شود که در یک نهاد تعاونی افراد مسؤول و آزاد، با استقلال کامل بطور داوطلبانه به یکدیگر ملحق شده‌اند، بدین ترتیب، استقلال و عدم وابستگی، شرط اولیه فعالیت مشترک تعاونیهاست. همچنین از هدفهای اصلی این فعالیت مشترک، حفظ و حراست آزادیهای فردی از دو جنبه اجتماعی و اقتصادی است.

فعالیت مشترک و روابط متقابل و دوجانبه در تعاونی، عکس‌العملی در برابر عواقب فردگرایی است، لکن اقدامات انفرادی را متوقف نمی‌سازد بلکه برعکس بگفته (توماس کارلایل<sup>۱</sup>) تعاون، اقدامات انفرادی را در جهت صحیحی‌ماز «رقابت شخصی به فعالیت جمعی» برانگیخته و هدایت و ترغیب می‌کند و فعالیت مشترک براساس توافق آزاد و تمایلات

شخصی صورت می‌گیرد.

تعاون نیاز به کوشش فردی تعاونگراها و وحدت و یکپارچگی اقدامات آنان دارد و باید نحوه عمل این دو عامل، هماهنگ و مکمل یکدیگر شود.

هدف از تشکیل تعاونی رفع نیازهای مشترک اعضا است و بنابراین، ضمن رعایت مسؤولیت مشترک در اداره امور آن، منشاء و نحوه کاربرد قدرت باید موافق با نیازهایی باشد که بوجود آورنده این مسؤولیت مشترک است.

بدین ترتیب، علاوه بر ابقاء تسلط انسانی بر شرکت، تشکیلات تعاونی، در خدمت فرد فرد اعضا خواهد بود.

در بیست و چهارمین کنگره اتحادیه بین‌المللی تعاون (I. C. A) که در سال (۱۹۶۹) در هامبورگ برگزار شد.

پروفسور لام لرت از کشور بلژیک اظهار داشت: «من فکر می‌کنم «دموکراسی» بهترین اصل ممیز و مشخص کننده تعاون از دیگر سیستمهای اقتصادی و اجتماعی است و در عین حال این اصل بیشترین و والاترین امید به آینده تعاون را تعیین می‌کند». همچنین بر طبق گفته آقایان «تدین» و «کرنیک» نمایندگان سوئد و فرانسه در مجمع مزبور «تعاون فقط وسیله‌ای برای نیل به هدفهای محدود اقتصادی نیست بلکه یک نوع تعهد اقتصادی و یک سازمان دموکراتیک است که عمیقاً در زندگی روزمره و نیازهای مشترک اعضا ریشه دوانیده باشد».

گرچه دموکراسی در تعاونیهای مختلف ظاهراً مشابه یکدیگر است، لکن تشابه آنها بطور مطلق نیست بلکه در ارتباط با وظیفه و با وظائفی است که ضمن قبول تعهد مشترک و متقابل، پذیرفته شده است. یک ارتباط مستقیم بین اهداف «تعهد مشترک» و «نیازهای مشترک اعضا وجود دارد که از طریق این مسؤولیت مشترک باید برآورده گردد».

اصل عضویت آزاد مقرر می‌دارد شخصی که

به یک تعاونی ملحق می‌شود نه تنها باید داوطلبانه و با اختیار و آگاهی کامل عضویت را بپذیرد، بلکه ارتباط او با تعاونی تا آنجائی ادامه یابد که اختیار و استقلال فردی عضو، خدشه‌دار نگردد. لکن حدود این آزادی بوسیله مقررات داخلی تعاونی که آزادانه توسط او و دیگر اعضای تعاونی پذیرفته شده است تعیین می‌گردد.

نتیجه‌گیری منطقی از مفهوم عضویت آزاد و اختیاری این است که عضو تعاونی باید مسؤولیت واقعی در اداره صحیح و مطلوب و موفقیت آمیز شرکت تعاونی خود را احساس نماید.

همانطور که قبلاً گفته شد، کنترل دموکراتیک تعاونی توسط اعضا آن فقط زمسانی عملی خواهد بود که در ضمن برخورداری از دموکراسی، استقلال فردی نیز داشته باشند.

به عبارت دیگر، کنترل واقعی زمسانی مصداق می‌یابد که اجرای آن نسبت به اعضا با رعایت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی آنان با شرکت تعاونی، تطبیق داده شود. استدلال و قضاوت کسانی که تأکید بر این موضوع دارند این است که فقط خود اعضا هستند که می‌دانند منافعتشان در چیست.

بنابراین «اصل اقتدار فردی» که به صورت یک اصل اختیاری و آزاد، ظاهر و مجسم گسردیده است، نتیجه منطقی «کنترل دموکراتیک» است. از آنجا که شرکتهای تعاونی به مفهوم به هم پیوستن اختیاری انسانها بر اساس برابری در جهت حل مشکلات مشترک اقتصادی خود از راه ارائه خدمتی که به مصلحت و نفع تمام آنها می‌باشد، سازمان یافته‌اند. در نتیجه، کنترل دموکراتیک اعمال شده توسط اعضا به نسبت میزان اراده و خواست کسانی که در حل مشکلات اقتصادی مشترک جامعه خویش کوشا می‌باشند، دارای

● بنا به گفته نماینده تعاونی کشور سوئد: اگر مجبور به شروع نهضت خود از صفر باشیم و تنها دوراه در پیش داشته باشیم: اول - شروع نهضت بدون سرمایه ولی با کارمندان و اعضاء مطلع و روشنفکر. دوم - شروع با سرمایه زیاد ولی با اعضاء ناآگاه، بهتر است راه اول را انتخاب کنیم.

● هدف از تشکیل تعاونی، رفع نیازهای مشترک اعضاء است و بنابراین، ضمن رعایت مسؤولیت مشترک در اداره امور آن، منشاء و نحوه کاربرد قدرت باید موافق با نیازهایی باشد که بوجود آورنده این مسؤولیت مشترک است.

● از هدفهای اصلی این فعالیت مشترک، حفظ و حراست آزادی‌های فردی از دو جنبه اجتماعی و اقتصادی است.

اعتبار بوده و مورد قبول دنیای خارج نیز خواهد بود. فزونی تعداد چنین افرادی در جامعه موجب تائید همگانی تصمیمات متخذه در شرکت تعاونی می‌گردد. بنابراین، اصل «عضویت آزاد» در عین حال که نتیجه منطقی اصل «کنترل دموکراتیک» است به همان اندازه نیز نتیجه منطقی اصل «عضویت اختیاری» می‌باشد.

در زمینه «دموکراسی تعاونی» اصل «عضویت آزاد» اغلب به اشتباه تعبیر می‌شود. تصور عمومی بر این است که تعاونیها موظف هستند تقاضای عضویت اشخاص را بپذیرند. لکن بر طبق تصمیمات کمیسیون اصول اتحادیه بین‌المللی تعاون، عضویت آزاد هرگز بدین معنی نیست.

در ماده «۸» مقررات اتحادیه بین‌المللی تعاون، گفته شده است که عضویت در شرکت تعاونی بدون هیچگونه محدودیت ساختگی، تبعیض اجتماعی، اقتصادی و نژادی است و کاملاً اختیاری بوده و قابل استفاده برای تمامی

افرادی است که می‌توانند از خدمات آن استفاده نمایند و مایل به پذیرفتن مسؤولیت‌های مربوط به عضویت نیز هستند.

رعایت صحیح اصل «عضویت آزاد» جهت رعایت اصل کنترل دموکراتیک ضروری است. اگر کسی بتواند بدون در نظر گرفتن اینکه آیا این فرد به خدمات شرکت نیاز دارد یا نه، به یک شرکت تعاونی ملحق شود، راه عضویت برای عناصر بی‌تفاوت و یا ضد تعاون هموار می‌گردد زیرا به چنین عناصری اجازه می‌دهد از طریق درهای باز به تعاونی راه یافته و با به کار گرفتن حق کنترل دموکراتیک، رأی به نابودی آن تعاونی بدهند.

چنین حالاتی در برخی از تعاونیهای بعضی از کشورها دیده می‌شود که به عدم وجود تمایز در پذیرفتن افراد به شرکت تعاونی و نادیده گرفتن مفهوم حقیقی اصل عضویت آزاد ارتباط دارد.

مثال مشابه دیگری درباره انحراف از اصل

«عضویت آزاد» فروش سهام تعاونیها به دولت و محسوب نمودن دولت به عنوان عضو تعاونی می‌باشد. از آن جا که دولت نیازهای مشابهی با دیگر افراد عضو ندارد، پذیرفتن دولت به عنوان یک عضو تعاونی، تخطی از اصل «عضویت آزاد» است.

دولت در سمت و مقام خود، عضوی نیست که آمادگی پیروی از مقررات داخلی تعاونی را داشته باشد که در واقع به وسیله سازمانهای غیردولتی وضع و مقرر شده است، به علاوه دولت در مقام یک عضو، حق معرفی و به کار گماشتن فردی را به عنوان مدیر تعاون ندارد، حتی اگر قرار باشد که وی حافظ منافع و سهام دولت در تعاونی باشد، زیرا برای همه اعضاء حقوق مشابهی جهت انتخاب مدیران وجود دارد و انتخاب مدیران مبتنی بر رأی اکثریت است.

دولت به عنوان یک عضو باید مطیع اصل «کنترل دموکراتیک» باشد که در لوای آن، موقعیت تمام اعضاء برابر است. اصل فوق با دادن فقط یک رأی به هر عضو تأمین و تضمین می‌گردد.

انحراف از اصل عضویت آزاد در پاره‌ای از موارد و توسط برخی از شرکتهای تعاونی به وسیله قوانین و مقرراتی که در جهت عدم رعایت و یا نادیده انگاشتن این اصل تصویب شده است، صورت گرفته و بسیاری از ویژگیها و خصوصیات تعاونیهای مذکور را تغییر داده است.

با رعایت صحیح عضویت آزاد می‌توان مطمئن بود عضویت شرکت، فقط متعلق به افرادی است که استحقاق عضویت آن را دارند. این امر از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا اصل کنترل دموکراتیک تأکید بر این حقیقت دارد که در هر شرایطی مصالح اعضاء چیست و فقط خود آنها می‌توانند تصمیم نهائی را اتخاذ نمایند. اگر عضویت شامل افرادی که

● **اعضاء اغلب شرکت‌های تعاونی در کشورهای در حال توسعه مانند مسافرین قطار هستند که فقط به هنگام ضرورت از قطار برای مقاصد خود استفاده می‌کنند و راندن قطار وظیفه آنان نیست. بی‌تردید این امر زمانی وقوع می‌یابد که طرح و سازماندهی شرکت تعاونی از طرف مقامات بالا باشد.**

● **شخصی که به یک تعاونی ملحق می‌شود، نه تنها باید داوطلبانه و با اختیار و آگاهی کامل، عضویت را بپذیرد، بلکه ارتباط او با تعاونی تا آنجائی ادامه یابد که اختیار و استقلال فردی عضو، خدشه‌دار نگردد.**

شایستگی و استحقاق آن را ندارند باشد، قاعده پسندیده مزبور نقض می‌گردد زیرا چنین اعضائی دارای نیاز مشترکی که شرکت در صدد رفع آن است نبوده و در نتیجه، انگیزه‌ای برای فعالیت تعاونی، همانند اعضائی که دارای نیاز مشترکند نخواهند داشت.

بدین ترتیب، این امر که «اصل کنترل دموکراتیک» یک شرکت تعاونی را به صورت سازمانی مردمی در می‌آورد به اعتبار و توانائی آن در رعایت صحیح اصل عضویت آزاد و اختیاری بستگی دارد.

اصل دموکراسی تعاونی در ماده «۸» مقررات اتحادیه بین‌المللی تعاون بدین نحو بیان شده است: شرکتهای تعاونی سازمانهای دموکراتیک هستند. امور شرکتهای تعاونی به وسیله افرادی که با توافق و به مسؤولیت اعضا انتخاب و یا منصوب شده‌اند اداره خواهد شد. اعضا شرکتهای تعاونی از حقوق برابر در دادن رأی (یک عضو، یک رأی) و مشارکت در تصمیم‌گیریهای مؤثر در شرکت تعاونی برخوردارند.

«دموکراسی، جوهر والای تعاون است» زیرا اگر اصول کنترل دموکراتیک رعایت نگردد، شرکت تعاونی در هدف خود شکست خواهد خورد.

کمیسیون اصول اتحادیه بین‌المللی تعاون می‌گوید: «شرکت تعاونی در اصل حاصل اتحاد و همفکری انسانها است».

موقعیت تمام اعضا شرکت تعاونی برابر است و همه از فرصت مساوی برای مشارکت در تصمیم‌گیریها و بیان نظریات خود در مورد روش کار شرکت برخوردار می‌باشند. برای تضمین این امر به جز دادن حق «فقط یک رأی به هر نفر» راه دیگری وجود ندارد. به علاوه، نهضت تعاون به وجود آمده است تا حاکمیت مؤثر توده مردم را بر زندگی اقتصادی مدرن و ماشینیزم تثبیت نماید و باید به هر فرد فرصتی برای نشان دادن لیاقتهای شخصی و تمایلات تعاونی و همچنین مجالی برای عملی کردن عقاید خویش داده شود. اگر عضوی در امور شرکت تعاونی برابر با دیگر اعضا نباشد، احساس مسؤولیت واقعی در اداره مطلوب شرکت تعاونی نخواهد کرد.

بنابراین، قانون (یک عضو یک رأی) در شرکتهای تعاونی جدید التاسیس و نوپا نیز غیر قابل تغییر خواهد بود.

همچنین ضروری است که ایده‌آل‌های دموکراسی در جریان فعالیتهای شرکت تعاونی و مشکلات روز به روز آن به تعویق نیافتد زیرا کارآئی واقعی آن تحلیل خواهد رفت چراکه کارآئی یک شرکت تعاونی فقط نسبت به

ایده‌آل‌هایی که در خدمت آن است سنجیده می‌شود.

«نقش و کاربرد دموکراسی تعاونی»

برطبق گفته آقایان «تدین و کرنیک» کمترین بی‌توجهی به دموکراسی تعاونی زیان‌بار بوده و بی‌تفاوتی نسبت به آن موجب از بین رفتن دموکراسی خواهد شد.

عدم توجه در اصل، از عدم حس تفاهم در بین اعضائی که تصمیمات متخذه آنان به وسیله مدیران و یا مدیرعامل شرکت انجام پذیرفته، ناشی می‌گردد. همچنین وجود قوانینی که بسیاری از اصول تعاون را خنثی سازد، نیز منجر به بی‌تفاوتی می‌گردد.

قوانینی که طی آن، تصمیم‌گیری نهائی را با توجه به مسائل اداری و مالی مشخص به یک مقام دولتی واگذار می‌کند و به او قدرت می‌دهد که مدیران و هیأت تصفیه شرکت را انتخاب کند، و حتی مقررات فرعی را به تعاونیها تحمیل نماید، بسیاری از اصول تعاون را ملغی نماید و حضور مقامات دولتی را به عنوان هیأت اجرائی در شرکت تعاونی مجاز بداند، همه و همه، منجر به بوجود آمدن بی‌توجهی و بی‌تفاوتی، نسبت به ایده‌آل دموکراسی تعاونی می‌گردد.

همه این بی‌تفاوتیها از ضعف دولتها در تشخیص اینکه «پرورش نهضت تعاون در اصل به معنای ترویج سازمانهای دموکراتیک براساس اصول تعاونی است» ناشی می‌شود. برطبق گفته کمیسیون اصول اتحادیه بین‌المللی تعاون، در یک واحد تعاونی کاملاً توسعه یافته «مدیریت باید در اختیار اعضا بوده و تمام تصمیمات توسط خود شرکت تعاونی بدون هیچگونه دخالت خارجی گرفته شود. زیرا به هر حال «استقلال» نتیجه منطقی دموکراسی است».

در مورد تعاونیهای که نیاز به ارشاد و راهنمایی دارند، راهنمایان در ابتدا باید قادر به درک روح عمیق دموکراتیک تعاون باشند. ارزش یک اصل به اندازه اقدامی است که برای پذیرش و به کار گرفتن آن انجام می‌گیرد.

دولت اغلب درباره موضوعاتی که به خود  
اعضاء ارتباط دارد درصدد تصویب مقرراتی  
برمی آید وضع قانون جهت تضمین رعایت  
۲ دموکراسی

اصول تعاون یک سئله است لکن تنظیم  
مقررات داخلی برای تعاونها به وسیله قانون  
سئله دیگری است.

اغلب چنین استنباط می شود که کنترل  
دولت در زمانیکه تعاونها، شایستگی و  
صلاحیت تنظیم امور داخلی خود را داشته  
باشند، از بین خواهد رفت. این یک  
تناقض گوئی است زیرا که شایستگی اداره  
شرکت تعاونی فقط هنگامیکه دولت کنترل  
مستقیم خود را اعمال نکند ثابت می گردد.  
نظارت و مباشرت مستقیم و نزدیک دولت در  
امور شرکت تعاونی موجب عدم دقت و مراقبت  
اعضاء از شرکت می گردد و لذا دخالت دولت،  
به خودی خود یکی از علل سقوط شرکت  
تعاونی است.

ترغیب و تشویق مقامات دولتی به صرف نظر  
نمودن از اعمال کنترل مستقیم در شرکتهای  
تعاونی چندان کار ساده ای نیست، زیرا طبعاً  
تعلیم کارکنانی که بتوانند به راحتی جایگزین  
آنان شوند، میسر نیست.

بر طبق اظهار «دکتر بنو»، رئیس اتحادیه  
بین المللی تعاون، ضرورت مطلق وجود  
استقلال و اقتدار و آزادی در نهضت تعاون به  
عنوان یک هدف دراز مدت می باید همیشه  
مد نظر قرار گیرد. اگر قرار باشد، در اداره  
شرکت تعاونی، ویژگی دموکراتیک تعاونی،  
آسیب ببیند، راه خطا پیموده ایم. وی اضافه  
می کند که:

در تحلیل نهائی این امر می توان گفت:  
«اشتیاق و استقبال مردم پیشرفت نهضت تعاون  
را قطعی خواهد کرد. در قانونگذاری و  
علی الخصوص قانون تعاون می باید الگوئی را  
تدارک دید که در آن به استعداد و لیاقت انسان  
که به وجود آورنده این تغییرات ایده آل و  
مطلوب است توجه بیشتری شود. اگر نتیجه  
قطعی قانونگزاری از بین رفتن این تمایل باشد،  
ضرر آن بیش از نفع آن است.

سازمانهای تعاونی، به اتکاء نظام تشکیلاتی  
صحیح در سطوح محلی، منطقه ای و مرکزی،  
در صورتیکه دولت به آنها میدان دهد،  
می توانند مجموعه ای از شعب زنجیره ای فعال  
در نقاط حساس و مؤثر اقتصاد جامعه به وجود  
آورند.

بدین ترتیب، تعاون با اتکاء به محسنات  
خود، می تواند به اقتصادی معقول و قابل اعتماد  
تبلور بخشد.

معتبرترین توصیه ها و راهنماییها درباره  
نقش دولت در توسعه تعاونی ها، در توصیه نامه  
دفتر بین المللی کار (I. L. O) چنین آمده است:  
دولتها باید تعاونها را تشویق و به آنان کمک  
مالی نمایند، بدون اینکه انجام این امر، کمترین  
تأثیر سوئی در استقلال آنان داشته باشد. این  
کمکها نباید متضمن قبول هیچ تعهدی در برابر  
استقلال و منافع شرکتهای تعاون باشد. و باید در  
جهت دلگرمی و تقویت نیروی نو آور و ابتکار  
و کار و تلاش اعضاء اعمال گردد.

این توصیه رابطه مهمی با کاربرد دموکراسی  
تعاونی در کشورهای در حال توسعه دارد و در  
صورتیکه توسط دولتها جدی تلقی شود، تعدی  
به حریم دموکراسی تعاونی که در ابتدای این  
مقاله بدان اشاره شده، به پایان خواهد رسید.

چارچوب طرح و شیوه های عرضه شده،  
برای کاربرد آن در شرکت و نحوه دخالت  
اعضاء در امور شرکت تعاونی، جنبه سازمانی  
دموکراسی تعاونی را تشکیل می دهند.  
مجمع عمومی در یک شرکت تعاونی،  
عالیترین مقام و بالاترین اختیار را دارد.

### گزارش دفتر اتحادیه بین المللی تعاون، به کنگره ۱۹۶۹ هامبورگ می گوید:

«برای همه شرکتهای تعاونی در همه جا  
مشکل است که اساس کنترل دموکراتیک  
شرکت را با قدرت کامل ابقاء نمایند». در  
سالهای اخیر هرگونه تغییری در سبک  
سازماندهی تعاونها، مستلزم تمرکز منابع، ایجاد  
واحد های اجرایی مکمل، استاندارد  
کردن، متمرکز نمودن خدمات و مدیریت  
شرکت می باشد.

این تغییرات منجر به انتقال قدرت از  
شرکتهای بسیار ابتدائی و نوپا به سازمانهای  
تعاونی پیشرفته گردیده و تصمیم گیریها به طور  
روز افزون بر عهده مدیران متخصص و باتجربه  
و حرفه ای در مرکز نهضت، محول گردیده  
است.

امروزه شرکتهای تعاونی جهت مقابله با  
عدم تحرک مجامع عمومی، بیش از پیش  
مجمع عمومی مشکل از نمایندگان اعضاء را که  
دارای حق وکالت از طرف آنان هستند،  
جایگزین مجمع عمومی عادی اعضاء می نماید.  
علاج قطعی حل مشکل دموکراسی، تقسیم  
قدرت و مسؤولیتهای بین کمیته های منتخب  
اعضاء و مدیریت است. اصل کلئی در این  
ارتباط این است، که کمیته منتخب مسؤول  
تصمیمات اجرایی روزمره شرکت است.

تعیین روابط عمومی، روابط بین اعضاء،  
ارتباط با سازمانهای فرعی، تعهدات رفاهی دراز  
مدت منافع مالی و نیروی کار، تصمیمات  
عمده ای است که با خط مشی و برنامه شرکت،  
بستگی تام دارد. تصمیمات اجرایی روزانه در  
مورد پرسنل موجود یا مراحل کار: تولید،  
خرید، انبارداری، بازاریابی، خرده فروشی و  
مناسبات بین کارکنان، همگی مرتبط به هم  
می باشد راه حل مورد نیاز برای کنترل  
دموکراتیک شامل دو قسمت است:

الف - مسؤولیتهای مربوط به کمیته منتخب  
و مدیریت باید به وضوح متمایز از یکدیگر  
بوده و تمام افرادی که دست اندرکار آند آنرا  
عمیقاً درک کرده باشند.

ب - مدیریت شرکت در مقابل کمیته  
منتخب نمایندگان اعضاء، کاملاً مسؤول خواهد  
بود، لکن باید از دخالت بی رویه کمیته ها در  
امور روزانه خود جلوگیری کند. «و  
راهنماییهای غیر حرفه ای نباید به مدیران تحمیل  
گردد». و همچنین لازم است اخذ تصمیمات  
اجرایی مستقیماً به مدیران رسمی و حرفه ای  
شرکت محول گردد.

ارزش دموکراسی تعاون بیش از آنکه به  
شیوه های اجرایی دموکراسی بستگی داشته باشد  
مبتنی بر تمایل و خواست اعضاء جهت شرکت

● نتیجه گیری منطقی از مفهوم عضویت آزاد و اختیاری این است که عضو تعاونی باید مسؤولیت واقعی در اداره صحیح و مطلوب و موفقیت آمیز شرکت تعاونی خود را احساس نماید.

● نهضت تعاون به وجود آمده است تا حاکمیت مؤثر توده مردم را بر زندگی اقتصادی و مدرن و ماشینیزم تثبیت نماید و باید به هر فرد فرصتی برای نشان دادن لیاقت‌های شخصی و تمایلات تعاونی و هم‌چنین مجالی برای عملی کردن عقاید شخصی خویش داده شود.

● نظارت و مباشرت مستقیم و نزدیک دولت در امور شرکت تعاونی، موجب عدم دقت و مراقبت اعضاء از شرکت می‌گردد و لذا دخالت دولت، به خودی خود یکی از علل سقوط شرکت تعاونی است.

● از آنجا که دولت نیازهای مشابهی با دیگر افراد عضو ندارد، پذیرفتن دولت به عنوان یک عضو تعاونی، تخطی از اصل عضویت آزاد است.

در امور مربوط به تعاونی خویش است. بنابراین، بسیار ضروری است که شرکتهای تعاونی اعضاء خود را در جهت همکاری و قبول مسؤولیت به طور مداوم آموزش دهند، زیرا امور شرکت بدون مشارکت اعضاء انجام پذیر نیست.

نهضت تعاونی، به خاطر عضویت اختیاری و کنترل دموکراتیک که جوهر و ماهیت نظام تعاونی است، نمی‌تواند از بالا به پائین رشد کند. اعضاء باید برای تشریک‌مساعی در مورد اخذ تصمیمات مشکل‌گردند. و کلیه امور را از ابتداء تا انتها دنبال کنند. دموکراسی تعاونی، بستگی به ارتباط بین اعضاء و مدیریت دارد. مدیریت و مقامات رسمی در هر سطحی باید برخورد صمیمانه‌ای با نظریات اعضاء داشته باشند و می‌باید برای انتقال توصیه‌های اساسی اعضاء در تماس با آنان باشند. توجه به توصیه‌های اعضاء ضامن این امر است که کارآئی شرکت به طور صحیح به سود منافع عضو تأمین خواهد شد.

کاربرد صحیح دموکراسی زمانی است که در اهداف آن به نیازها و مشکلات بشر اهمیت

مشکل متداول بی‌علاقگی اعضاء به همکاری در امور شرکتهای تعاونی در کشورهای در حال توسعه آسیا در اصل از این ناشی شده است که اذهان عمومی این کشورها تعاونیها را وابسته به دولت می‌دانند. اعضاء اغلب شرکتهای تعاونی در کشورهای در حال توسعه مانند مسافرن قطار هستند که فقط به هنگام ضرورت از قطار برای مقاصد خود استفاده می‌کنند و راندن قطار وظیفه آنان نیست. بی‌تردید این امر زمانی وقوع می‌یابد که طرح و سازماندهی شرکت تعاونی از طرف مقامات بالا باشد.

داده شود. تقسیم وظائف بین اعضاء شرکتهای ابتدائی و کوچک و یا شرکتهایی که دارای تشکیلات سازمانی وسیعتر می‌باشند قوه ابتکار و ابداع روشهای تعاونی را تقویت و به آنان اجازه عرضه طریق و شی مشترکی را که مورد قبول همگان باشد خواهد داد.

هر گروهی که در یک تعاونی به طور دموکراتیک انتخاب شده است، وظیفه‌ای دقیق بر اجراء اصول دموکراسی دارد و این امر اولین شرط کاربرد صحیح دموکراسی است.

انتخابات مراحل مختلف باید دموکراتیک باشد. تبادل نظر و گفتگوهای ثمربخش و دائمی بین کسانی که قدرت را به دست می‌آورند و کسانی که آن را واگذار می‌کنند باید صورت پذیرد تا دموکراسی موجبات باروری تشکیلات تعاونی را فراهم سازد. اگر بنا باشد که دموکراسی جامه عمل بپوشد لازم است شرایط مشخصی به شرح زیر و به طور کامل اجراء شود:

الف) آموزش دائمی اعضاء

ب) علاقه کافی اعضاء به شرکت خود.

پ) اعضاء کمیته‌ها، شوراهای، کمیسیونهای تشکیل شده در نهضت باید اطلاع کافی از امور تعاونی و فعالیتهای اقتصادی داشته باشند، مدیران برگزیده نیز باید ضمن دانش کافی از جنبه‌های فنی و تجاری شرکت تعاونی، برای اداره خط مشی عمومی شرکت، کارمندان متخصص در اختیار داشته باشند.

ت) آموزش تعاونی و تعلیمات حرفه‌ای کارمندان شرکت.

بر طبق گفته‌های آقای «الدین» از (کالج تعاونی کشور سوئد) اگر مجبور به شروع نهضت خود از صفر باشیم و تنها دوراه در پیش داشته باشیم:

اول: شروع نهضت بدون سرمایه ولی با کارمندان و اعضاء مطلع و روشنفکر.

دوم: شروع با سرمایه زیاد ولی با اعضاء ناآگاه، بهتر است راه اول را انتخاب کنیم.

1. Thomas Carlyle

2. Thedin

3. Kerinec